

فی امثالها، صورت حال، نعم، هلمّ جزاً و... و مصطلحات معمول دیوانی از این قبیل در دو متن نشانه تأثیر یکی بر دیگری نیست. (پورمختار، ۱۳۹۴: ۶۸)

این گزاره کاملاً درست است، اما در مقدمه مورد بحث، پیش از ذکر این موارد (از صفحه سی و شش به بعد) موارد متعددی از این اقتباس‌ها و تأثیرپذیری‌ها ذکر شده‌است و موارد یادشده در کنار آنها مؤید این ادعا به شمار می‌روند.

ناقد محترم در همین بخش، مقایسه این اثر با عقدالعلی للموقف الاعلی را لازم دانسته‌اند (همانجا). پیشتر نیز علامه فقید محمد قزوینی (ناصرالدین منشی، ۱۳۹۴: مقدمه مصحح، پنجاه و دو) اشاره کرده‌اند که «آن کتاب (عقدالعلی) در نثر و شیوه تاریخ‌نگاری سرمشق منشی بوده‌است»؛ اما به گمان نگارنده، مؤلف سمط‌العلی للحضرة العلیا تنها از نام عقدالعلی للموقف الاعلی الگوبرداری کرده‌است، وگرنه میان این دو کتاب شباهت‌های در خور ذکری به جز چند بیت شعر مشترک به نظر نیامد و این سخن علامه قزوینی برای من محقق نشد. البته می‌پذیرم که می‌بایست به همین مشابهت در مقدمه اشاره می‌شد.

جناب پورمختار، عنوان «شیوه تاریخ‌نگاری در سمط‌العلی» را نوعی تکرار عنوان قبل، یعنی «منش او در تاریخ‌نگاری» دانسته‌اند. منظور نگارنده از «منش»، چنان‌که در فرهنگ‌ها آمده‌است، اخلاق و رفتار ناشی از خوی و خصلت‌ها و عادت‌های رفتاری شخص است (نک: فرهنگ بزرگ سخن) که با شیوه تاریخ‌نگاری که به نگاه مؤلف به تاریخ نظر دارد، مسلماً متفاوت است و مطالب این دو عنوان هم بیانگر این تفاوت است؛ چنان‌که ذیل این عنوان به منصف بودن و نقد بی‌طرفانه او از اشخاص و استغنائی طبع او اشاره شده‌است (نک. ناصرالدین منشی، ۱۳۹۴: بیست و پنج-بیست و شش).

در بحث درباره نثر سمط‌العلی و ویژگی‌های بلاغی آن، تصریح کرده‌ام که «در اینجا بنا ندارم که به شرح و تفصیل به این صنایع و آرایه‌ها بپردازم و تنها به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنم»، و آقای پورمختار (۱۳۹۴: ۶۸) در این باره نوشته‌اند: «ارائه این نمونه‌ها اگرچه لازم است، اما به تنهایی تحلیل بلاغی نثر کتاب نیست». حقیقت این است که اگر می‌خواستیم به تحلیل بلاغی این متن مصنوع و فنی پر از آرایه‌های ادبی بپردازیم، می‌بایست فصلی مشبع به این مقدمه می‌افزودم که

توضیحاتی بر «نگاهی به تصحیح تازه کتاب سمط‌العلی للحضرة العلیا»

مریم میرشمسی

عضو هیأت مؤلفان مؤسسه لغت‌نامه دهخدا
m_mirshamsi85@yahoo.com

در شماره اخیر نشریه گزارش میراث (دوره دوم، سال نهم، شماره سوم و چهارم، مرداد-آبان ۱۳۹۴، ۷۰-۷۱) مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به تصحیح تازه کتاب سمط‌العلی للحضرة العلیا» به چاپ رسیده‌است. در آغاز لازم می‌دانم از آقای دکتر محسن پورمختار برای نقد و معرفی این کتاب سپاسگزاری کنم که آن را با دقت و توجه خواننده و به بخش‌های آن جداگانه و ویژه توجه کرده و برای هر کدام نکاتی را متذکر شده‌اند؛ و نیز از آن رو که نقد ایشان را منصفانه، علمی و به دور از گوشه و کنایه‌های رایج در برخی نقدها یافتیم. کاش این شیوه پسندیده در نقدنویسی بیش از پیش رواج یابد. همچنین از سردبیر محترم و دست‌اندرکاران نشریه وزین گزارش میراث تشکر می‌کنم.

بعد از خواندن نوشته ایشان، حسی جز قدردانی در خود نیافتم؛ از این رو می‌خواستم تنها به یادداشتی تشکرآمیز بسنده کنم ولی بعد به نظرم رسید که خوب است درباره چند مورد از گوشه‌های ایشان که به نظر جای بحث دارد، توضیحاتی بدهم. بنابراین به همان ترتیبی که در نوشته ایشان آمده، من نیز نکاتی را یادآور می‌شوم.

در بحث «تأثیرپذیری سمط‌العلی از متونی مثل تاریخ یمینی و نفثة المصدور» می‌نویسند:

به کار رفتن ترکیباتی از قبیل روی رزمه، لاسیما، علی‌الرسم

دهخدا و همچنین مقاله «غلط مشهور» عبدالرسول خیامپور (۱۳۲۸: ۱۰۲).

درباره «یادداشت‌های مربوط به نام جای‌ها»، گفته شده که درباره «منغانی» توضیح داده نشده است. این نام که ظاهراً صفت نسبی است، جزو نام کسان آورده شده و توضیح آن نیز ذیل یادداشت‌های مربوط به نام کسان مندرج است (نک. ناصرالدین منشی، ۱۳۹۴: ۲۵۳).

درباره «یادداشت‌های جامع»، نوشته‌اند عبارت کنایی «حساب جو و حبه از ترازو برخاست» نیاز به توضیح دارد. این ترکیب کنایی در واژه‌نامه و ملاحظات لغوی (همان: ۲۶۹) ذیل عنوان «از ترازو برخاستن حساب کالایی» آمده است. همچنین برای عبارت «اشارت ایشان حُکم و طاعتشان غُمن بود» نیز در جای خود (همان: ۳۴۶) توضیح لازم آورده شده است.

در نقد و معرفی مذکور، آقای پورمختار نمونه‌هایی از موارد امتیاز تصحیح جدید بر تصحیح پیشین از نظر ضبط واژه‌ها به دست داده‌اند. نگارنده به این فکر افتاد که ای کاش در «مقدمه مصحح» بخشی به این موضوع اختصاص می‌یافت و دست‌کم موارد مهم این تفاوت‌ها فهرست‌وار بیان می‌شد. حال این فرصت را مغتنم می‌شمارم و شماری از این تصحیحات که می‌توان آنها را به دو دسته «تصحیحات قیاسی» و «تصحیحات بر اثر خوانش دقیق دست‌نوشته‌ها» بخش کرد، در اینجا می‌آورم. گفتنی است که این تمایزها و تصحیحات در بخش «تتمه تاریخ» (همان: ۱۴۳-۱۵۵) که کار تصحیح فقط بر اساس یک دست‌نوشته ایاصوفیه صورت گرفته، بسیار چشمگیر است.

نمونه‌هایی از تصحیح بر اساس دست‌نوشته‌ها

اثارت وجوه از وجوب (ص ۹۰) به جای «اثارت وجوه»

اختران (ص ۱۴۴) به جای «افتراق»

أدر الحق (ص ۳) به جای «دار الحق»

استجماع (ص ۱۳۲) به جای «استماع»

استقلال (ص ۱۵۴) به جای «استقلال»

استیعاب (ص ۱۵۰) به جای «اسباب»

اشبالش (ص ۱۵۴) به جای «اسبابش»

أصفی (ص ۱۵۰) به جای «امحی»

اعتماد (ص ۱۴۴) به جای «اعتقاد»

گرچه مفید ولی مبحثی جداگانه بود. ایراد دیگر این است که «موارد یادشده ویژه سبط‌العلی نیستند و در سایر متون مشابه دیده می‌شوند». این سخنی درست است، چرا که غالب متون نثر فنی و مصنوع از این دست، چنین مشابهت‌هایی دارند و معمولاً صنایع ادبی مقوله‌های مشخصی هستند که در متون ادبی کمابیش به کار می‌روند؛ ولی اینکه این متن آرایه‌های خاصی داشته باشد که در متون دیگر به کار نرفته باشد، من به چنین مواردی برخورد نکردم.

درباره ویژگی‌های زبانی و نحوی این اثر نوشته‌اند:

شامل مواردی است که تقریباً ویژگی همه متون نثر فنی است و اختصاص به سبط‌العلی ندارد. خوب است ضمن ذکر این نکته که این موارد در متون نثر فنی مشترک هستند، اگر سبط‌العلی از این نظریه‌های منحصری دارد، آورده شوند.

شیوه پیش‌گرفته‌شده در بیان ویژگی‌های زبانی کتاب، شیوه معمول یعنی ذکر ویژگی‌های زبانی غالب اثر است. گاه این ویژگی‌ها خاص و شاذند و گاه ممکن است در دیگر متون هم حوزه و هم دوره و هم موضوع نیز به کار رفته باشند. برشمردن این مشترکات با سایر متون می‌تواند به اطالۀ کلام بینجامد و رشته توجّه و دقت خواننده را از هم بگسلد؛ جدای از اینکه پرداختن به چنین امری استقصا و پژوهشی مبسوط را می‌طلبد که می‌بایست متکی بر بررسی و تجزیه متون مصنوع دو قرن پیش از این اثر باشد.

درباره «متن سبط‌العلی للحضره العلیا» آقای پورمختار مواردی از تصحیح‌های به‌جا و درست را برشمرده‌اند. از ایشان بسیار سپاسگزارم و تنها ذکر دو نکته را بایسته می‌دانم. درباره ضبط واژه «تگش»، نظر ایشان درست است؛ من می‌بایست مستندات خود را برای ترجیح این ضبط بر صورت پرکاربردتر آن (= تکش) ذکر می‌کردم که متأسفانه از قلم افتاده است. برای ضبط «تگش» بنگرید به تعلیقات جامع‌التواریخ (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۹۴: ۱۳/۱۹۲۲). در آنجا ضبط «تگش» درست‌تر دانسته شده و به فرهنگ دورفر استناد شده است، هرچند من در فهرست فرهنگ دورفر آن را نیافتم.

مورد دیگر درباره ضبط واژه «منتظم». گفتنی است که مصدر «انتظام» که «منتظم» از آن مشتق شده، مصدر لازم است و از آن اسم مفعول ساخته نشده است. بنگرید به لغت‌نامه

- افتراع (ص ۲۰) به جای «اقتراع»
انفاذ (ص ۷۸) به جای «انقیاد»
ایتام (ص ۱۴۳) به جای «اقتام»
ایزد (ص ۱۵۰) به جای «احمد»
ایفاد (ص ۱۰۵) به جای «انفاذ»
بالسعد (ص ۹۰) به جای «بالسعل»
بخت (ص ۱۵۰) به جای «همت»
بلغاق (ص ۱۳۵) به جای «بنفاق»
بی بی بانصر (ص ۷۲) به جای «بی بی بانظر»
بی قیمت (ص ۱۳۸) به جای «بی رقیب»
بی نسبی (ص ۱۴۵) به جای «بی نفسی»
التراب (ص ۹۴) به جای «النوائب»
تصنّفات (ص ۱۵۴) به جای «تصنعات»
تصنیف (ص ۱۴۳) به جای «سیف»
تطرّف (ص ۱۹) به جای «تطرّق»
تطرّق (ص ۱۱۶) به جای «تطرّف»
تطرّق (ص ۹۸) به جای «وطرق»
تقالیب (ص ۱۲۲) به جای «مقالید»
تورّط (ص ۶۶) به جای «توسط»
ثمره (ص ۱۲۳) به جای «بهره»
جنبات (ص ۹۶) به جای «جنّات»
جوار (ص ۱۵۲) به جای «خوان»
جهودی (ص ۱۴۵) به جای «جمادی»
چرخ (ص ۱۴۴) به جای «جمع»
چسبیده (ص ۱۳۶) به جای «جنبیده»
چیز (ص ۱۵۰) به جای «هنر»
حامه (ص ۳۱) به جای «حومه»
حطّ (ص ۱۴۳) به جای «طرّد»
حملوها (ص ۱۴۶) به جای «حماوها»
خصلت (ص ۱۴۳) به جای «فضیلت»
خلافت (ص ۱۴۶) به جای «خلافت»
دست (ص ۱۵۵) به جای «تب»
دهقنت (ص ۱۳۰) به جای «در صنعت»
ذو ذّوابه (ص ۶۲) به جای «دودابه»
رجیمی (ص ۱۴۵) به جای «ذنبی»
رمه (ص ۸۲) به جای «ذمه»
ریاحین (ص ۱۳۶) به جای «ریاض»
زمین (ص ۱۴۵) به جای «غزنین»
سپرده (ص ۱۲۴) به جای «تنیده»
سلک (ص ۷۵) به جای «مسلک»
سیل منهمر (ص ۸۹) به جای «رسیده مهتم»
شباب (ص ۱۵۰) به جای «نبات»
شیوشگان (ص ۱۷) به جای «شیوگاه»
صاخّه (ص ۱۲۳) به جای «ضایعه»
صرامت (ص ۱۴۴) به جای «صولت»
صنعت (ص ۱۴۴) به جای «صف»
ضواری (ص ۱۹) به جای «ضراری»
ضیق المساق (ص ۲۲) به جای «حسن المساق»
الطود (ص ۹۲) به جای «الفرد»
عتبان (ص ۱۹) به جای «غسان»
عرفیتر (ص ۳۳) به جای «غریب‌تر»
عفیف‌آزار (ص ۴۱) به جای «عفیف کم‌آزار»
عقد (ص ۱۷) به جای «عهد»
فشارش (ص ۱۱۶) به جای «فساد»
قحمه (ص ۱۲۵) به جای «محّمه»
قوم (ص ۱۴۴) به جای «لّوم»
کتابت (ص ۴۸) به جای «کفایت»
لب (ص ۱۰) به جای «آب»
لسائقه (ص ۱۴۵) به جای «لسابقه»
له ارسلاها (ص ۹۲) به جای «له سلمها»
لثیمی (ص ۱۴۵) به جای «لیبی»
مال (ص ۸۰) به جای «اموال»
متخلّق (ص ۹۱) به جای «متملّق»
متشمر (ص ۱۲۲) به جای «متنسم»
متطرّق (ص ۸۴) به جای «متطرّف»
مُتَعَصِّیات (ص ۹) به جای «مستعصیان»
معابس (ص ۱۱۰) به جای «معالس»
معبس (ص ۷۰) به جای «معجلس»
محل (ص ۲) به جای «نجل»
مخدومانه (ص ۱۵۴) به جای «مجدوبانه»

مخضود (ص ۱۵۲) به جای «منضود»
مدعو (ص ۱۴۴) به جای «مذکور»
مذمت (ص ۱۴۳) به جای «خدمه»
مریح (ص ۱۴۴) به جای «مرتج»
مرثیه (ص ۱۳۵) به جای «مرتبه»
مردمی (ص ۳۱) به جای «مرزی»
مروت گستری (ص ۱۵۱) به جای «صورت گستری»
مُرد (ص ۲۵) به جای «درد»
مزوران (ص ۵۹) به جای «مزدوران»
مصارعه (ص ۱۲۵) به جای «معارضه»
مصاع (ص ۶۶) به جای «مصارع»
مصرف (ص ۸۱) به جای «تصرف»
ممتّع (ص ۱۵۴) به جای «متمتع»
مناشد (ص ۱۴۹) به جای «مناشیر»
منافته (ص ۱۲۴) به جای «مناقشه»
منقر (ص ۲۳) به جای «منقلب»
مواکب (ص ۷۰) به جای «مراکب»
مؤاتات (ص ۱۵۳) به جای «مؤانات»
میلان (ص ۱۳۱) به جای «میدان»
نامنجم (ص ۱۴۴) به جای «نامتجم»
ناوجه (ص ۲۳) به جای «ناموجه»
نحس (ص ۱۴۴) به جای «نجس»
نرسیده (ص ۵۷) به جای «رسیده»
نواصی (ص ۱۳۷) به جای «نواحی»
نوال (ص ۵۹) به جای «توالی»
وافر (ص ۱۵۱) به جای «و افسر»
وطا (ص ۱۷) به جای «غطا»
هشیار (ص ۱۰) به جای «بسیار»
همال (ص ۳۷) به جای «تمثال»
همت (ص ۱۵۰) به جای «سمت»
یسار (ص ۴۷) به جای «بسیار»

نمونه‌هایی از تصحیح قیاسی

ابیّت (ص ۱۳۰) به جای «انفت»
ابیّت (ص ۸۲) به جای «آیتی»

استنصار (ص ۱۱۹) به جای «استنفار»
افاضل‌گداز (ص ۱۵۳) به جای «افاضل‌ازار»
اوانی که به کار گیرودار (ص ۶۱) به جای «اوادنی بحار
کارگیرودار»
برج (ص ۲) به جای «موج»
تشبّث (ص ۱۵۴) به جای «سبب»
تغیر (ص ۹۸) به جای «تقریر»
جلی (ص ۹۰) به جای «قوی»
چپر (ص ۱۱۹) به جای «چتر»
خُرة (ص ۱۴) به جای «مرّة»
حسن‌شهم (ص ۱۰۲) به جای «من آن شهم»
دایر و روان (ص ۵۲) به جای «داروروان»
دُخیله (ص ۱۲۱) به جای «دخیله»
ذعاف (ص ۷) به جای «زعاق»
زهروت (ص ۴۹) به جای «زمروت»
سامه (ص ۲۶ و ۴۵) به جای «سایه»
شقاق (ص ۱۳۱) به جای «شقراق»
شنگ (ص ۱۵۱) به جای «گنگ»
الضریبه (ص ۱۱) به جای «الصریمه»
غصن (ص ۹) به جای «فصل»
الغوادی (ص ۱۳۷) به جای «العوادی»
کابین (ص ۸۶) به جای «قالیس»
لانقراضک (ص ۷) به جای «لاتواصل»
لباقت (ص ۱۳۴) به جای «لیاقت»
متعزّزان (ص ۹۵) به جای «متعذران»
مجلّی (ص ۶۴) به جای «محلی»
محالفت (ص ۱۲۳) به جای «مؤانست»
مراایع (ص ۱۲۴) به جای «مراتع»
مراتب (ص ۱۵۱) به جای «صماییت»
مُروج (ص ۱۱۱) به جای «مبروح»
مطلول (ص ۱۲۹) به جای «مظلول»
معالی (ص ۹۶) به جای «معانی»
معول (ص ۵۰ و ۱۲۸) به جای «محول»
نتف (ص ۱۴۳) به جای «شب»
نجل (ص ۲) به جای «نخل»

یتیمه (ص ۱۳) به جای «تیمه»

یسقی (ص ۱۳۷) به جای «فسقی»

ینابیع (ص ۱۲۴) به جای «منابع»

یؤنق (ص ۷) به جای «یؤلف»



در پایان سپاس دوباره خود را از پژوهشگر ارجمند آقای دکتر محسن پورمختار ابراز می‌دارم و از توجه و حسن ظن ایشان قدردانی می‌کنم. گوش‌زدها و پیشنهادهای مقبول ایشان و دیگر صاحب‌نظران را به دیده منت می‌پذیرم و ان شاء الله در چاپ بعدی به کار خواهیم بست.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.

- پورمختار، محسن (۱۳۹۴). «نگاهی به تصحیح تازه کتاب سمط‌العلی للحضرة العلیا». گزارش میراث، دوره دوم، سال نهم، شماره سوم و چهارم، مرداد-آبان ۱۳۹۴، ۷۰-۷۱: ۶۷-۷۲.

- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۲۸). «غلط مشهور». نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ش ۱۲ و ۱۳: ۹۸-۱۱۸.

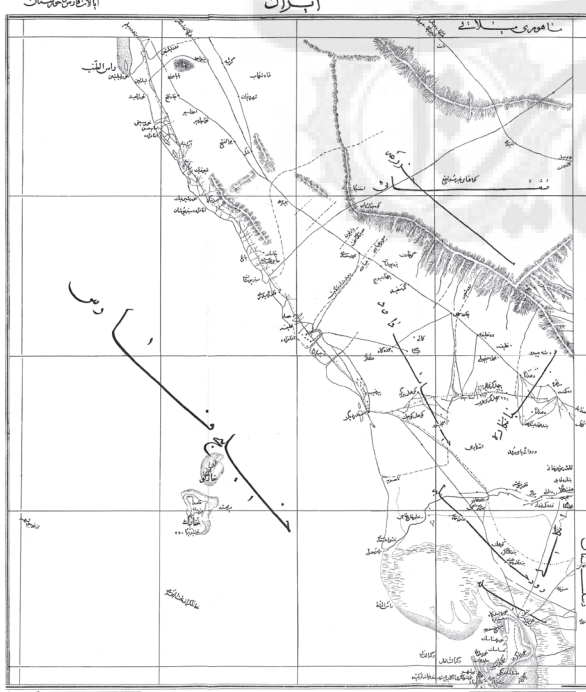
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.

- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۹۴). جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازانی). تصحیح و تحشیه محمدروشن، مصطفی موسوی. تهران: میراث مکتوب.

- ناصرالدین منشی کرمانی (۱۳۶۲). سمط‌العلی للحضرة العلیا. به تصحیح عباس اقبال. تهران: اساطیر.

- _____ (۱۳۹۴). سمط‌العلی للحضرة العلیا.

تصحیح و پژوهش مریم میرشمسی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.





آثار دست چاپ
صید مروارید
المناص في احوال الغوص والغواص

کتاب صید مروارید اثر محمدعلی‌خان‌بن حاج احمدخان بندرعباسی ملقب به سدیدالسلطنه (د. ۱۳۲۰ش) نخستین بار در سال ۱۳۰۸ش جزو نشریات کتابخانه طهران، زیر نظر خود مؤلف به چاپ رسیده است. موضوع اثر، صید مروارید و مسائل مرتبط با آن است. نویسنده در این کتاب به شیوه صید مروارید، اصطلاحات رایج میان صیادان و نیز روابط اجتماعی میان اعضای صید پرداخته است و در این میان، اطلاعات اقتصادی، قوم‌شناسی، جغرافیایی و بسیاری از آگاهی‌های مرتبط با این موضوع را در دسترس خواننده نهاده است. این اثر را می‌توان مهم‌ترین اثر تألیفی به زبان فارسی درباره صید مروارید به شمار آورد.